



چرا قرآن همگان را به تدبیر در آیات دعوت می‌کند؟

آیت الله جوادی آملی در مباحث تفسیری خود به فراخور به این پرسش که اگر فهم قرآن منحصرأ در اختیار اهل بیت (ع) است چرا قرآن همگان را به تدبیر در آیات دعوت می‌کند؟ پاسخ فرموده اند.

آیت الله جوادی آملی در مباحث تفسیری خود به فراخور به این پرسش که اگر فهم قرآن منحصرأ در اختیار اهل بیت (ع) است چرا قرآن همگان را به تدبیر در آیات دعوت می‌کند؟ پاسخ فرموده اند. به گزارش **خبرگزاری مهر**، آیت الله جوادی آملی در مباحث تفسیری خود به فراخور به این پرسش که اگر فهم قرآن منحصرأ در اختیار اهل بیت (ع) است چرا قرآن همگان را به تدبیر در آیات دعوت می‌کند؟ پاسخ فرموده اند. در ادامه چکیده ای از بیان وی در پاسخ به این پرسش در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

آیت الله جوادی آملی می‌نویسد: گروهی از اخباریان با استناد به برخی روایات غیر معتبر، معتقد بودند که آیات قرآنی و احادیث نبوی (ص) رمزگونه و معماست و جز مخاطبان اصلی آن (حضرات معصومین علیهم السلام) آن را نمی‌فهمند و از قبیل محاورات عرفی نیست تا مقصود گوینده از آن، تفهیم عموم مردم باشد. بنابراین، استنباط احکام نظری از ظواهر آیات قرآن و روایات نبوی (ص) بدون روایات امامان (ع) جایز نیست.

محدث استرآبادی که از پایه‌گذاران شیوه اخباری‌گری است می‌گوید: "... وإن القرآن فی الأكثر ورد علی وجه التعمية بالنسبة إلى أذهان الرعية وكذلك كثير من السنن النبوية وإنه لا سبيل لنا فيما لا نعلمه من الأحكام النظرية الشرعية، أصلية كانت أو فرعية إلا السماع من الصادقين (عليهما السلام) وأنه لا يجوز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر كتاب الله ولا ظواهر السنن النبوية ما لم يعلم أحوالهما من جهة أهل الذكر (ع) بل يجب التوقف والاحتياط فيهما..." (۱). آنان فهم قرآن را منحصر به معصومین (ع) و باب ادراک آن را بر روی دیگران مسدود می‌دانستند. برخی از دلایل آنان عبارت است از:

الف: اخباری که تفسیر به رأی را نکوهش می‌کند.
ب: روایت "لیس شیء أبعد من عقول الرجال من تفسیر القرآن" (۲) که تفسیر قرآن را مقدور عقل بشر عادی نمی‌داند؛ پس باید در تفسیر آن فقط از معصوم استفاده کرد.
ج: سخن امام صادق (ع) به ابوحنیفه که مدعی مقام افتاء و معرفت حقیقی قرآن بود: "یا أبا حنیفة! لقد ادعیتم علماً، ویلک ما جعل الله ذلك إلا عند أهل الكتاب الذین أنزل علیهم ویلک ولا هو إلا عند الخاص من ذریة نبینا محمد (ص) وما ورثک الله من کتابه حرفاً" (۳).

د: سخن امام باقر (ع) به قتاده فقیه اهل بصره: "... بلغنی أئک تفسر القرآن؟ " قال له قتادة: نعم. "یا قتادة إن كنت إنما فسر القرآن من تلقاء نفسك فقد هلكت وأهلکت وإن كنت قد فسرته من الرجال فقد هلكت وأهلکت. ویحک یا قتادة! إنما يعرف القرآن من خوطب به" (۴). در برخی از جوامع روایی ادعا شده است که این گونه روایات متواتر، و دلالت آن قطعی است. (۵)
پاسخ شبهه شباهت اخباریان درباره حجیت ظواهر قرآن کریم به وسیله عالمانی بزرگ همچون مرحوم وحید بهبهانی، میرزای قمی و شیخ انصاری به تفصیل پاسخ داده شده است.

مرحوم محقق قمی می‌گوید: این روایات (که اخباریان انحصار فهم قرآن به معصومین (ع) را از آن فهمیده‌اند) ظاهر یا صریح است که مراد علم به همه (ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل) قرآن است و این امری مسلم و مورد قبول است.
اگر چنین مدعایی در اخبار صریح و صحیح نیز آمده باشد، یا باید آن را توجیه کرد و یا علم آن را به اهلش واگذاشت، لیکن چنین اخباری نیست (۶). معصومین (ع) هرگز اصل فهم قرآن را به خود منحصر نساختند و در فهم آن را بر روی مردم نبستند و در اخبار معصومین نیامده است که مردم از قرآن بهره‌ای جز تلاوت ندارند.

حتی اگر این مطلب در برخی روایات آمده باشد، چون با خطوط کلی قرآن و نیز با خود ستّ قطعی معصومین در تضاد است، باید فهمش را به اهلش واگذاریم. اوصافی مانند "کتاب مبین"، "نور" و "تبیان کل شیء"، که درباره قرآن آمده نه اختصاصی به معصوم (ع) دارد تا قرآن کریم برای دیگران دارای چنین اوصافی نباشد و نه ناظر به "مقام ثبوت" است تا قرآن در مقام اثبات دارای چنین صفاتی نباشد.

زیرا اوصاف مزبور، درباره کتاب هدایت است و کتاب هدایت در مقام رهبری دارای چنین اوصافی است و مقام رهبری نیز اولاً عام است و اختصاصی به معصوم ندارد و ثانیاً ناظر به مقام اثبات است، نه ثبوت.

ظاهر آیه: "قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین" (۷)، نیز خطاب به همه انسانهاست، بدون اختصاص به معصوم و هم در مقام هدایت است، نه مقام ثبوت و همچنین آیه ۱۷۴ سوره نساء و آیه ۸ سوره تغابن و ۱۵۷ اعراف در مقام ارشاد و ناظر به مقام اثبات است.

البته "کتاب مکنون" که غیر از "مطهرون" به آن دسترسی ندارند مرحله کمال و نهایی آن، چنانکه قبلاً گذشت، اختصاص به اهل بیت طهارت دارد؛ چنانکه "لا رطب ولا یابس إلا فی کتاب مبین" (۸) نیز از برخی جهات چنین است.

ممکن است انحصار فهم قرآن به معصوم (ع) از برخی روایات استظهار شود؛ نظیر آنچه از امام باقر (ع) رسیده است: "إِثْمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مِنْ حُوطِبٍ بِهِ" (۹)؛ لیکن چنین برداشتی مخالف با ظاهر خود قرآن کریم است که همگان را به اموری مانند تدبّر، تحدّی و تعقل دعوت کرده است و حدیثی که مخالف قرآن باشد، معتبر نیست.

پس مراد از این گونه احادیث چنانکه گذشت، احاطه تامّ بر همه ابعاد قرآن اعم از ظاهر و باطن، مطلق و مقید، عام و خاص و ناسخ و منسوخ و نظایر آن است؛ چنانکه خطابهای قرآن کریم نیز یکسان نیست، بلکه پیام و مضمون برخی از خطابها را تنها مخاطبان اصیل آن می‌توانند اکتناه کنند.

خداوند گاهی به عنوان "یا أيها الناس"، زمانی به عنوان "یا أهل الكتاب"، گاهی به عنوان "یا أيها الذین امنوا" و زمانی به عنوان "یا أولى الأبصار" و "یا أولى الألباب" و گاهی به عنوان "یا أيها الرسل" و بالاخره زمانی به عنوان "یا أيها الرسول" که مختص به رسول اکرم (ص) است آیه نازل می‌کند و عناوین یاد شده یکسان نیست و استنباطها نیز مساوی هم نخواهد بود.

یعنی استنباط جامع، کامل و اکتناهی معارف و احکام قرآن در انحصار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است که حق تماس با کتاب مکنون را دارند. بنابراین، مدعای ما این است که فهم قرآن کریم در حدّ تفسیر (و نه تأویل) و فهم ظواهر الفاظ آن میسور همگان است و نه تنها معصومین آن را به خود منحصر نداشتند، بلکه مردم را به آن تشویق و ترغیب کردند.

برخی از شواهدی که این مدعا را اثبات یا تأیید می‌کند برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۸۶ - ۹۸.

۱ - الفوائد المدنية، ص ۴۷-۴۸.

۲ - بحار، ج ۸۹، ص ۹۱.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰.

۴ - همان، ص ۱۳۶.

۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۲.

۶ - قوانین الأصول، ج ۱، ص ۳۹۷، با تصرف.

۷ - سوره مائده، آیه ۱۵.

۸ - سوره انعام، آیه ۵۹.

۹ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳۶.

.....

مأخذ: (تسنیم، ج ۱، ص ۸۶)